

فهرست

صفحه

عنوان

۱ فصل اول (Part A: Reading Skills)

۸ (Chapter 1)	درس اول: برخورد با لغات ناآشنا
۲۰ (Chapter 2)	درس دوم: برخورد با جزئیات متن
۲۷ (Chapter 3)	درس سوم: پیدا کردن مرجع ضمیر
۳۱ (Chapter 4)	درس چهارم: درک موضوع اصلی متن
۳۸ (Chapter 5)	درس پنجم: استنباط مفاهیم از متن

۲ فصل دوم (Part B: Practice Reading Texts)

۴۶	متن‌های درک مطلب تمرینی
۱۵۲ (Answers)	پاسخ‌ها

۳ فصل سوم (Part C: Cloze Tests)

۲۳۱	Cloze‌های تمرینی
۲۵۱ (Answers)	پاسخ‌ها

۲۶۹ (Conjunctions)	ضمیمه ۱
۲۷۱	ضمیمه ۲ (واژگان متن‌ها و کلوزهای کنکورهای اخیر)

CHAPTER 1

DEALING WITH UNKNOWN VOCABULARY

برخورد با لغات ناآشنا

یکی از دشواری‌های مطالعه‌ی متن‌های امتحانی و کنکور، وجود لغات ناآشنایی است که در کتاب‌های درسی آن‌ها را ندیده‌اید. به نکات زیر توجه نمایید:

- ۱- اصل این است که شما از روی لغت یا عبارت ناآشنا بگذرید و سعی کنید با استفاده از بقیه‌ی کلمات، درک مناسبی از جمله داشته باشید. اما گاهی فهم معنی آن لغت در درک متن ضروری است. در این صورت باید معنی آن را حدس بزنید که در ادامه‌ی این فصل روش‌هایی برای این کار به شما ارائه می‌گردد.
- ۲- گاهی طراح سؤال، معنی برخی از این لغات را از شما می‌پرسد (از شما می‌خواهد معنی آن را حدس بزنید). صورت چنین سؤالاتی معمولاً این‌گونه است:

The word (or phrase) X is closest in meaning to

The word (or phrase) X means

The word (or phrase) X could best be replaced by

1 - A Ignoring a new word

نادیده گرفتن واژه جدید

بسیاری از اوقات لغت جدید اهمیتی در درک مفهوم کلی جمله و پیگیری موضوع متنی که می‌خوانید ندارد و می‌توانید با تمرکز بر بقیه جمله، مفهوم و منظور نویسنده را بفهمید. مثال زیر را در نظر بگیرید:

► These farmers grow different things such as carrot, lettuce, and tomato.

این کشاورزان چیزهای مختلفی مثل هویج، lettuce و گوجه فرنگی پرورش می‌دهند.

خُب، در جمله‌ی بالا مفهوم کلی جمله چه قدر به lettuce وابسته است؟

هیچ! چون lettuce صرفاً یک مثال از چیزهایی است که کشاورزان در مزرعه کشت می‌کنند. (lettuce یعنی کاهو)

مثال دیگری رو ببینید:

► Tom and Carol met each other at the party for the first time. They became interested in each other, got to know each other more, and eventually got married.

تام و کارول در مهمانی برای اولین بار یکدیگر را دیدند. به هم علاقه‌مند شدند، هم‌دیگر را بیش‌تر شناختند و eventually ازدواج کردند.

به نظر شما معنی **eventually** چه قدر در درک موضوع متن بالا مؤثر است؟ (eventually یعنی سرانجام).

پس نتیجه می‌گیریم قدم اول برخورد با واژه ناآشنا صرفاً نادیده گرفتن آن و تمرکز بر لغات کلیدی دیگر جمله است تا درک مناسبی از موضوع متن داشته باشیم.

1 - B Guessing meaning from context حدس معنی لغت جدید با استفاده از متن همراه

گاهی می‌توان معنی یک لغت جدید را از کلمات و جملات اطرافش (متن همراه = context) متوجه شد. به مثال زیر توجه کنید:

► I was delighted when I heard that I had passed the difficult exam.

وقتی شنیدم در آن امتحان سخت قبول شده‌ام، delighted شدم.

از جمله‌ی بالا می‌توان فهمید delighted حدوداً به معنی «شادمان، خوشحال» است. البته شاید نتوان معنی دقیق این کلمه را حدس زد، ولی قطعاً می‌توان فهمید که حیطه‌ی مفهوم آن چیزی در حدود «راحت، خوشحال، هیجان‌زده» و موارد مشابه است، زیرا کسی که خبر موفقیتش را در امتحانی دشوار می‌شنود، قاعدتاً خوشحال می‌شود. توجه کنید که فهمیدن حدود معنی delighted (و نه معنی دقیق آن) برای درک مفهوم جمله کافی است، مگر نه؟

البته گاهی معنی لغت جدید را نمی‌توان از روی متن همراهش حدس زد:

► I was delighted when I heard the news.

وقتی خبر را شنیدم، delighted شدم.

با توجه به این که سرنخ خاصی در جمله‌ی فوق مبنی بر معنی delighted وجود ندارد، نمی‌توان معنی آن را حدس زد (بسته به این که «خبر» چه‌طور بوده است، حدس ما حالت‌های مختلفی می‌تواند داشته باشد. مثلاً اگر خبر بد بوده، حدس می‌زنیم ناراحت، اگر خوب بوده، خوشحال و...)

نمونه‌هایی از کاربرد متن همراه در حدس معنی لغات جدید

1

معنی کردن Defining

► Edelweiss is the Swiss national flower, but it is also found in North America.

اصولاً واژه‌ی edelweiss برای شما واژه‌ی ناآشناست، اما نویسنده خودش در جمله‌ی فوق آن را معنی کرده است (معنی کردن: define).

معنی جمله: ادل وایس گل ملی سوئیس است اما در آمریکای شمالی هم یافت می‌شود.

► Hypoxia is an illness caused by a shortage of oxygen in the body.

معنی جمله: هیپوکسی بیماری است که توسط کمبود اکسیژن در بدن ایجاد می‌شود.

لذا هیپوکسی بیماری کمبود اکسیژن است.

▲ **توجه:** نویسنده برای معنی کردن (defining) یک لغت ناآشنا، در کنارش لغت‌ها و عبارات‌های کلیدی زیر را می‌آورد:
is / are / means / refers to / ...

2

بیان مجدد Restating

► Altitude, or the height above sea level, is a factor that affects your breathing.

معنی جمله: altitude ، یا ارتفاع از سطح دریا، عاملی است که روی تنفس شما اثر می‌گذارد.

عبارت or the height above sea level معنی altitude (ارتفاع از سطح دریا) را مشخص می‌کند.

► The fox is a nocturnal animal. In other words, it's awake at night and asleep during the day.

معنی جمله: روباه حیوانی nocturnal است. به عبارت دیگر، شب‌ها بیدار و روزها خواب است.

جمله‌ی پس از عبارت in other words ، معنی nocturnal (شب‌رو، شب‌بیدار) را روشن می‌کند.

دقت به کلمه‌ی satellite (ماهواره) و این‌که ERS-1 به satellite برمی‌گردد، معنی ERS-1 را مشخص می‌کند (= نوعی ماهواره).

► He hated that tuxedo. He wondered why he had to wear those kinds of clothes.

معنی جمله: او از آن tuxedo متنفر بود. از خود می‌پرسید چرا باید آن نوع لباس‌ها را بپوشد.

عبارت those kinds of clothes مرجع tuxedo است و لذا tuxedo نوعی لباس است (هرچند که نمی‌توان فهمید دقیقاً چه نوع لباسی (لباس مردانه‌ی رسمی: tuxedo).

7

استفاده از سایر لغات جمله Using other words in the sentence

► He connected all the parts together with deft fingers. His hands were quick and skillful.

معنی جمله: او همه‌ی بخش‌ها را با انگشتان **deft** به هم وصل کرد. دستانش سریع و ماهر بودند.

Deft یعنی «زبردست، ماهر». کلمات quick و skillful راهنمای ما هستند.

► The plant's hairs kill useful insects, but this problem can be alleviated by controlling the amount of hair.

معنی جمله: موهای آن گیاه، حشرات مفید را می‌کشد اما این مشکل را می‌توان با کنترل مقدار مو **alleviate** کرد.

مفهوم alleviate (تخفیف دادن، کم کردن) را با دقت به رابطه‌اش با problem و مفهوم کلی جمله می‌توان فهمید.

چند نکته‌ی تکمیلی

۱- برای حدس بهتر معنی یک لغت ناآشنا بهتر است نقش گرامری آن را (این‌که اسم است یا صفت یا قید یا فعل)

در ابتدا تشخیص بدهیم. این امر به درک بهتر معنای آن کمک می‌کند.

۲- برخی لغات آشنا گاهی در متن‌ها در معانی جدید و ناآشنایی به کار می‌روند. مثلاً file که به معنی «پرونده،

پوشه» است، می‌تواند به مفهوم «سمباده، سوهان» هم باشد. بنابراین لغات لزوماً همیشه در معانی که ما از آن‌ها

می‌دانیم به کار نمی‌روند.

۳- باید بدانیم که گاهی نشانه‌ها و سرنخ‌های لازم برای حدس معنی یک لغت جدید در چند خط بعد از آن در

ادامه‌ی متن آمده است و لذا نباید خود را محدود به بررسی تنها چند کلمه‌ی اطراف آن لغت کنیم.

Exercise Find the choice that is closest in meaning to the underlined word.

1. A musical comedy has a plot with songs and dances connected to it.

- 1) story 2) map 3) ground 4) building

2. Lasers can be used to create stunning effects.

- 1) famous 2) excellent 3) confused 4) embarrassed

3. This tree is a hardy one that can live for 1,500 years.

- 1) strong 2) funny 3) white 4) tasty

4. Nitrogen dioxide (NO₂) is a gas with a brownish hue.

- 1) color 2) smell 3) thickness 4) steam

5. This disease has many etiologies rather than a single cause known to doctors.

- 1) beginnings 2) patterns 3) signs 4) causes

6. Parasitic plants are plants that survive by using food produced by host plants rather than by producing their own food. They try to make their way into the food channels of the host plant and get the nutrients that they need from the host plant.

- 1) give out 2) produce 3) eat 4) go to

7. Edna Ferber was a popular American novelist in the first half of the 20th century. She embarked on her career by working as a newspaper reporter in Wisconsin and soon began

1 - C Word Formation واژه‌سازی

یکی دیگر از روش‌های فهم معنی یک لغت جدید، توجه به نحوه‌ی ساخته شدن آن کلمه از طریق ترکیب کلمات و یا به کمک پیشوندها، پسوندها و ریشه‌هاست. به عنوان مثال مفهوم کلمه‌ی firefighter از روی کلمات سازنده‌اش مشخص است:

▶ firefighter : fire + fighter = آتش‌نشان
مبارزه‌کننده آتش

یا معنای کلمه‌ی microbiology از روی پیشوند، ریشه و پسوندش مشخص است:

▶ microbiology : micro + bio + logy = علم مطالعه‌ی موجودات کوچک
مطالعه حیات خیلی کوچک

در این جا به برخی پیشوندها و پسوندهای رایج در زبان انگلیسی اشاره می‌کنم:

▲ نکات:

- ۱- لزومی ندارد لیست‌های زیر را حفظ کنید، بلکه آن‌ها را هر چند وقت یک‌بار بخوانید و هر بار به کلمه‌ی مرکبی برمی‌خورید، با مراجعه به این لیست‌ها، آن را تحلیل و تجزیه کنید.
- ۲- پیشوندها (prefixes) معمولاً معنی کلمه را تغییر می‌دهند در حالی که پسوندها (suffixes) معمولاً نقش گرامری کلمه را عوض می‌کنند.

پیشوندهای مهم

پیشوند	مفهوم	مثال	
uni-	یک	uniform	یک شکل
bi-	دو	bicycle	دوچرخه
tri-	سه	tricycle	سه‌چرخه
multi-	چند	multilayer	چندلایه
centi-	صد / یک‌صدم	centimeter	سانتی‌متر
kilo-	هزار	kilogram	کیلوگرم
pre-	قبل از	pre-reading	قبل از مطالعه
post-	بعد از	post-war	پس از جنگ
inner-	داخلی	innermost	داخلی‌ترین
sub-	زیر	subway	قطار زیرزمینی
super-	بالا	superman	آبرانسان
trans-	در عرض	Trans-Atlantic	در عرض اقیانوس اطلس
tele-	دور	television	تلویزیون
re-	دوباره	review	مرور کردن

پیشوندهای منفی‌ساز

پیشوند	واژه	مثال	
a-	typical	atypical	غیر معمول
ab-	normal	abnormal	غیر عادی
dis-	agree	disagree	مخالفت کردن
mis-	use	misuse	استفاده‌ی غلط
il-	legal	illegal	غیر قانونی
im-	polite	impolite	بی ادب
in-	complete	incomplete	ناکامل
ir-	regular	irregular	نامنظم
un-	able	unable	ناتوان

پسوندهای اسم‌ساز

پسوند	واژه	مثال	
-al	try	trial	محاکمه
-er	teach	teacher	معلم
-or	invent	inventor	مخترع
-ment	agree	agreement	توافق
-tion	create	creation	خلق
-ation	inform	information	اطلاعات
-sion	discuss	discussion	بحث و بررسی
-ure	fail	failure	شکست
-y	discover	discovery	کشف
-ance	accept	acceptance	قبول
-ence	exist	existence	هستی، وجود
-ness	kind	kindness	مهربانی
-ity	active	activity	فعالیت
-ism	human	humanism	انسان‌گرایی

پسوندهای فعل‌ساز

پسوند	ریشه	مثال	
-ize (ise)	real	realize	فهمیدن
	civil	civilize	تمدن کردن
-en	weak	weaken	ضعیف کردن
	hard	harden	محکم کردن
-ify	uni-	unify	متحد کردن
	clar-	clarify	روشن کردن، توضیح دادن
-ate	educ-	educate	تعلیم دادن، تربیت کردن
	commun-	communicate	ارتباط برقرار کردن

پسوندهای صفت‌ساز

پسوند	واژه	مثال	
-y	rain	rainy	بارانی
-ful	care	careful	بادقت
-less	care	careless	بی‌دقت
-ic	economy	economic	اقتصادی
-ical	economy	economical	صرفه‌جویانه، مقرون به صرفه
-ish	child	childish	بچه‌گانه
-ous	danger	dangerous	خطرناک
-al	emotion	emotional	عاطفی
-ary	moment	momentary	لحظه‌ای
-ly	friend	friendly	دوستانه
-ive	invent	inventive	خلاق
-able	agree	agreeable	موافق، مطلوب
-ible	sense	sensible	معقول
-ive	attract	attractive	جذاب
-ant	please	pleasant	خوشایند
-ent	depend	dependent	وابسته
-like	child	childlike	بچه‌گانه
-ing	excite	exciting	مهیج
-ed	confuse	confused	گیج شده

پسوند قیدساز

پسوند	ریشه	مثال
-ly	happy	happily

تمرین: کلمات زیر را به اجزای سازنده تقسیم کنید و در آخر معنی آن‌ها را حدس بزنید.
replacement – unsystematically – usefulness – development – productive – dishonesty – prearranged

پاسخ‌ها:

replacement = re- + place + -ment جایگزینی
 unsystematically = un- + system + -atic + -al + -ly به شیوه‌ای بدون ساختار، به‌طور غیرمنظم
 usefulness = use + -ful + -ness فایده، کارایی
 development = develop + -ment توسعه، پیشرفت
 productive = produce + -ive مفید، حاصلخیز
 dishonesty = dis- + honest + -y دروغگویی، عدم صداقت
 prearranged = pre- + arrange + -ed از قبل تنظیم شده

1 - D نکات تکمیلی Additional Tips

۱- همه‌ی لغات جدید موجود در یک متن هم‌ارزش نیستند. دانستن معنی دقیق برخی از آن‌ها ضروری است (مثلاً آن‌هایی که پس از اتمام متن در بخش سؤالات، معنایشان پرسیده شده است یا آن‌هایی که در جمله‌ی اول متن آمده‌اند یا آن‌هایی که در متن تکرار می‌شوند)؛ معنی برخی دیگر را در حد کلی باید فهمید و صرف وقت بیش از حد برای کشف معنی دقیق آن‌ها بی‌فایده و در مواردی مضر است. بسیاری از لغات جدید را هم باید اصولاً نادیده گرفت و از روی آن‌ها گذشت. به متن نمونه‌ی زیر توجه کنید.

Autism is a developmental disease that is characterized by serious behavioral abnormalities across all primary areas of functioning. It generally makes itself known by the age of two and one-half. It is not a single disease entity but is instead a syndrome made up of patterns and different characteristics.

اگر لغاتی را که زیرشان خط کشیده شده است، لغات جدید بدانیم، می‌توانیم آن‌ها را به سه دسته‌ی زیر دسته‌بندی کنیم:

دانستن معنی آن ضروری است	دانستن حدود معنی آن کافی است	دانستن معنی آن لازم نیست
autism developmental	characterized syndrome characteristics	primary entity

معنی پاراگراف: اوتیسم (در خودماندگی) بیماری پیش‌رونده‌ای است که ویژگی آن، ناهنجاری‌های رفتاری جدید در تمام زمینه‌های اصلی عملکردی است. این بیماری عموماً خود را تا قبل از سن دو و نیم سالگی نمایان می‌کند. این بیماری ماهیت یک بیماری واحد را ندارد، بلکه در عوض تشانگانی ساخته شده از الگوها و ویژگی‌های مختلف است.

اصولاً در هنگام خواندن یک جمله باید حتی‌الامکان به لغات کلیدی و اصلی نگاه کرد و نباید گذاشت که لغات ناآشنا در جریان درک مفهوم جمله خللی ایجاد کنند. اگر معنی آن‌ها را حدس زدیم که چه بهتر! اما اگر نه، باید از رویشان بگذریم و روی موضوع اصلی متن متمرکز باشیم.

۲- لغات می‌توانند یک معنی صریح (denotative meaning) و یک معنی ضمنی (connotative meaning) داشته باشند. معنی صریح همان معنایی است که لغت‌نامه ارائه می‌دهد و معنی ضمنی معنایی است که از متن همراه خاصی که در آن آمده است، استنباط می‌شود.

- ▶ 1) The sky was clouded yesterday. (۱) دیروز آسمان ابری بود.
- ▶ 2) Anger clouded his judgment. (۲) عصبانیت قوه‌ی قضاوت او را مختل کرد.
- ▶ 3) This is a firm apple. (۳) این یک سیب سخت است.
- ▶ 4) He needs a firm hand to help him. (۴) او به فرد قابل اعتمادی نیاز دارد که به او کمک کند.
- ▶ 5) He had a heart attack. (۵) او دچار حمله‌ی قلبی شد.
- ▶ 6) He wanted to be at the heart of the city. (۶) او می‌خواست در مرکز (قلب) شهر باشد.
- معنی ضمنی یک لغت وقتی به کار می‌آید که معنی صریح آن در آن جمله مفهوم مناسبی نداشته باشد. البته معنی ضمنی هر لغت در عمق خود به معنی صریح آن ارتباط‌هایی دارد.

۳- گاهی در سؤالات امتحانی، معنی لغتی را از شما می‌پرسند که برایتان آشناست. توجه فرمایید که شما ممکن است با تنها یک معنی آن لغت آشنا باشید اما در آن متن امتحانی معنای دیگری مورد نظر باشد. مثلاً لغت fortune که در کتاب‌های دبیرستان به معنی «شانس، بخت» دیده‌اید، می‌تواند به مفهوم «پول هنگفت، ثروت» هم باشد. لذا بدون خواندن متن همراه آن لغت جدید و بدون بررسی آن متن خاص، به سؤال جواب ندهید.

When you really want something to happen, the whole universe conspires so your wish comes true.

Paulo Coelho

New Words

truck	کامیون	scan	نگاه کردن و دنبال جزئیات گشتن	pipe	لوله
wheel	چرخ	blow up	منفجر کردن	transmit	فرستادن
surgeon	جراح				

Darkness cannot drive out darkness;
only light can. Hatred cannot drive
out hate; only love can do that.

Martin Luther King, Jr.

CHAPTER 2

DETAIL QUESTIONS

سؤالاتی که از جزئیات متن می‌پرسند

رایج‌ترین نوع سؤالات درک مطلب، سؤالاتی هستند که از جزئیات ذکر شده در متن می‌پرسند. به نکات زیر توجه نمایید:
۱- صورت چنین سؤالاتی معمولاً به شکل زیر است:

According to the passage, ...

According to the author / writer, ...

It is **TRUE / CORRECT** that ...

It is **FALSE / WRONG** that ...

The writer **mentions / states** that ...

۲- برای پاسخگویی به این سؤالات، یک یا چند کلمه‌ی کلیدی را در صورت سؤال مشخص کنید و سپس دنبال این کلمه یا کلمات کلیدی در متن بگردید. به این کار خواندن **گزینه‌ای (scanning)** می‌گویند. برای پیدا کردن این کلمه‌ی کلیدی، لزومی ندارد متن را دوباره بخوانید، بلکه باید با نگاهی روزنامه‌وار خیلی سریع چشمانتان را روی سطرهای متن بلغزانید تا آن کلمه‌ی کلیدی پیدا شود. توجه فرمایید که ممکن است به‌جای خود آن کلمه‌ی کلیدی، کلمات مترادف و هم‌مفهوم با آن در متن پیدا شود. سپس جملات اطراف آن کلمه‌ی کلیدی را بخوانید تا به پاسخ برسید.

۳- پاسخ سؤالاتی که از جزئیات می‌پرسند، معمولاً به همان ترتیب **ارائه‌ی اطلاعات** در متن است. به عبارت دیگر، پاسخ اولین سؤال از این نوع در اوایل متن است؛ پاسخ سؤال دوم بعد از آن خواهد بود و الی آخر.

۴- پاسخ چنین سؤالاتی معمولاً **بیان مجددی از اطلاعات موجود** در متن است و به زبان ساده‌تر، خود جمله‌ی موجود در متن را عیناً در پاسخ پیدا نمی‌کنید، بلکه مفهوم آن را به بیانی دیگر خواهید یافت.

۵- گاهی چنین سؤالاتی از شما می‌پرسند که کدام گزینه صحیح نیست یا در متن ذکر نشده است. صورت چنین سؤالاتی معمولاً کلمات **NOT** یا **EXCEPT** دارد:

According to the passage, it is **NOT** true that

All of the following are mentioned in the passage **EXCEPT**

II متن زیر را بخوانید و به سؤالاتش پاسخ دهید.

What happens if you don't get enough sleep? Randy Gardner, a high school student in the United States, wanted to find out. He designed an experiment on the effects of sleeplessness for a school science project. With doctors watching him carefully, Gardner stayed awake for 264 hours and 12 minutes. That's eleven days and nights without sleep!

What effect did sleeplessness have on Gardner? After 24 hours without sleep, Gardner started having trouble reading and watching television. The words and pictures were too blurry. By the third day, he was having trouble doing things with his hands. By the fourth day, Gardner was hallucinating. For example, when he saw a street sign, he thought it was a person. He also imagined he was a famous football player. Over the next few days, Gardner's speech became so slurred that people couldn't understand him. He also had trouble remembering things. By the eleventh day,

Gardner couldn't pass a counting test. In the middle of the test he simply stopped counting. He couldn't remember what he was doing.

When Gardner finally went to bed, he slept for 14 hours and 45 minutes. The second night he slept for twelve hours, the third night he slept for ten and one-half hours, and by the fourth night, he had returned to his normal sleep schedule.

1. Randy Gardner was a in the U.S.

- | | |
|---------------------|---------------------|
| 1) famous scientist | 2) medical doctor |
| 3) 24-year old man | 4) student teenager |

2. Randy stayed awake for

- | | |
|-----------------|----------------------|
| 1) about 3 days | 2) more than 11 days |
| 3) 26 hours | 4) about 24 hours |

3. Randy got back to normal by the night after the experiment had ended.

- | | | | |
|----------|-----------|----------|-----------|
| 1) first | 2) second | 3) third | 4) fourth |
|----------|-----------|----------|-----------|

4. The word "blurry" in the 2nd paragraph means

- | | |
|---------------------|---------------------|
| 1) difficult to say | 2) sharp and clever |
| 3) unclear to see | 4) hard to write |

5. The word "hallucinate" in the 2nd paragraph is closest in meaning to

- | | |
|--|---|
| 1) have new ideas for making sth | 2) behave like a grown-up person |
| 3) ask questions that are hard to answer | 4) see or hear things that don't really exist |

▶ پاسخ‌ها:

۱- **گزینه‌ی (۴)** به کلمه‌ی کلیدی Randy Gardner توجه می‌نماییم و پاسخ سؤال را در جمله‌ی دوم پیدا می‌کنیم (high school student).

۲- **گزینه‌ی (۲)** به عبارت کلیدی stayed awake دقت می‌کنیم و پاسخ سؤال را در دو جمله‌ی آخر پاراگراف اول می‌یابیم (eleven days and nights).

۳- **گزینه‌ی (۴)** به عبارت کلیدی got back to normal توجه کنید. پاسخ در خط آخر متن یافت می‌شود (by the fourth night).

۴- **گزینه‌ی (۳)** این سؤال و سؤال بعد به هدف مرور مطالب فصل اول طرح شده‌اند.

لغت blurry یعنی «تار، مبهم». اگر جمله‌ی قبل از آن را بخوانید، سرنخی پیدا می‌کنید:

او در مطالعه و تماشای تلویزیون مشکل داشت. He had trouble reading and watching television.

برداشت می‌کنیم که blurry یعنی «ناواضح، سخت برای دیدن».

۵- **گزینه‌ی (۴)** لغت hallucinate یعنی «توهم داشتن». به دو جمله‌ی بعد از آن توجه کنید:

When he saw a street sign, he thought it was a person.

وقتی تابلوی راهنمایی رانندگی را می‌دید، فکر می‌کرد آدم است.

He also imagined he was a famous football player. هم‌چنین تصور می‌کرد فوتبالیست مشهوری است.

▲ **توجه:** در سؤالات «حدس معنی لغت جدید» همواره می‌توانید گزینه‌ها را تک به تک جای لغت مورد نظر

جایگذاری کنید تا ببینید کدام یک معنای بهتری به جمله می‌دهد.